

تحلیلی از انتخابات الجزایر

دوره ریاست جمهوری، به همقطاران نظامی خود اعلام کرد که مجدداً نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ نخواهد شد.

استعفای زروال غیر منتظره بود اما با توجه به منازعات سیاسی شدید تابستان ۱۹۹۸، تعجب بر انگیز نبود. در حالی که دلایل مختلفی جهت توضیح علت تصمیم رییس جمهور برای کناره گیری وجود دارد، اما بدیهی ترین دلیل آن عدم تمایل وی جهت مقابله با مخالفان قدرتمند خود در ارتش و سازمانهای امنیتی (حفاظت اطلاعات ارتش) بود. انتقادات مستمر از ژنرال بازنشسته، محمد بتچین، مشاور اصلی رییس جمهور و رییس سابق حفاظت اطلاعات ارتش، زروال را وادار به کناره گیری از قدرت نمود، زیرا مخالفان بتچین مرتباً از رییس جمهور تقاضا می کردند که خود را از شر مشاور خویش خلاص نماید و با کمال تعجب، حمله به ژنرال بتچین از طریق مطبوعات مستقل به اطلاع عموم نیز می رسید. طبق منابع موثق، زروال ترجیح داد که استعفا دهد تا این که هم پیمانی وفادار را ترک گوید.

مخالفان بتچین همچنین نگران آن

هر چند که در انتخابات اخیر ریاست جمهوری الجزایر، انتخاب مردم با انتخاب ارتش مطابق بود، اما این انتخابات به منزله یک تجربه دمکراتیک استثنایی در جهان عرب قلمداد شده است. نویسنده این مقاله، یحیی اچ. زبیر تشریح می کند که چگونه چارچوب اولیه و پویایی خود انتخابات بیانگر نوعی پیشرفت در روند دمکراتیک شدن حکومت الجزایر می باشند.

امین زروال، ششمین رییس جمهور الجزایر، روز یازدهم سپتامبر ۱۹۹۸ پیش از موعد مقرر رأساً به دوره تصدی خود پایان داد و برگزاری انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری را تا قبل از ماه فوریه ۱۹۹۹ اعلام نمود. زروال، ژنرال بازنشسته ارتش، که روز شانزدهم ماه نوامبر ۱۹۹۵ در رقابتی چند جانبه برای یک دوره پنج ساله انتخاب شده بود، ظاهراً اولین رییس جمهور پس از استقلال این کشور بود که در یک فرایند انتخاباتی برگزیده می شد. با وجود این، زروال به واسطه افزایش اختلاف در رأس قدرت الجزایر، درست پیش از اعلام پایان

بودند که به دلیل دستیابی وی به قدرت بیشتر، کار به آنجا بکشد که او خود را حتی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ نامزد نماید. با این وجود نباید استعفای زروال را صرفاً به عدم محبوبیت مشاور وی، محمد بتچین، نسبت داد. در حقیقت جریانات مهمتر دیگری چون اسلام گرایی، منازعات ضد تروریستی، ساختهای نظام سیاسی و آینده‌گروههای اسلام‌گرای مسلحی که از اول اکتبر ۱۹۹۷ آتش بسی موقت را به اجرا گذاشته بودند، موجب تفرقه میان حاکمان الجزایر شد. انگیزه‌های شخصی چون بیماری زروال در بهار ۱۹۹۸ را نمی‌توان دلیلی برای استعفای او به حساب آورد چرا که وی پس از مدتی به کلی بهبود یافته بود. علاوه بر جریان مربوط به مشاور قدرتمند رییس جمهور، ناتوانی زروال در پایان دادن به بحران اجتماعی اقتصادی (نرخ بیکاری تقریباً به ۳۰ درصد جمعیت فعال کشور رسیده بود) و نیز تروریسم توجیه بهتری برای استعفای وی تلقی می‌شود. مطمئناً این احتمال نیز وجود دارد که تنش‌های رو به افزایش اجتماعی، زروال را وادار به اعلام انتخابات زود هنگام کرد تا از

تکرار مجدد آشوب اجتماعی ماه اکتبر ۱۹۸۸، که در صورت وقوع، وی مسئول آن تلقی می‌شد؛ اجتناب ورزد. روند نهادینه‌سازی که از هنگام انتخاب زروال در سال ۱۹۹۵ توسط او و وابستگانش آغاز شد به وعده‌های «صلح مدنی» و «بهبود اقتصادی» تحقق نبخشید و فقدان هر دو مورد مانع جذب سرمایه‌گذارهای ضروری خارجی شد.

با این که زروال تصمیم به مقابله با تروریسم تا محو کامل آن را داشت اما در عمل وی به گروههای «سازشکار» تعلق داشت که موافق رفع اختلاف از طریق مذاکره با حزب غیرقانونی «جبهه نجات اسلامی» هستند. به علاوه زروال با بحرانی در حزب خود، «اتحاد دمکراتیک ملی» (آر. ان. دی) به عنوان یک حزب دارای اکثریت پارلمانی مواجه بود. این حزب که به عنوان حزب ریاست جمهوری نیز شناخته می‌شد در فوریه ۱۹۹۷ کمی پیش از انتخابات پارلمانی ژوئن ۱۹۹۷ تشکیل گردید و در جریان این انتخابات ۱۵۶ کرسی به دست آورد که در مقامهای بعدی به ترتیب «جنبش جامعه صلح» (حماس سابق) حزب اسلام‌گرای میانه

رو به رهبری محفوظ نحناح، «جبهه آزادی بخش ملی» حزب حاکم پیشین و «النهضة» دیگر حزب اسلام‌گرای میانه رو قرار داشتند. این چهار حزب نوعی ائتلاف به وجود آورده بودند که به آن اتحاد محافظه کار ملی اطلاق می شد. اختلاف میان احمد اویحیی، نخست وزیر و مقداد سیفی، نخست وزیر پیشین و طاهر بن بیج، دبیر کل آر. ان. دی. موجب تضعیف این حزب شد. باید اشاره کرد که گرچه به نظر می رسید الجزایری ها از اقدامات زروال جهت تشکیل نهادهای دمکراتیک استقبال می کردند، اما تقلبهایی که در انتخابات پارلمانی ژوئن ۱۹۹۷ و انتخابات مربوط به شهرداری اکتبر ۱۹۹۷ صورت گرفت موجب یأس شدید آنان شده بود. آزادی عباس مدنی، رهبر جبهه نجات اسلامی در جولای ۱۹۹۷ و رفع اختلاف با ارتش مسلح اسلامی وابسته به جبهه مزبور نیز محبوبیت و مشروعیت زروال را تقویت نکرد. تقلبهای انتخاباتی و ناتوانی دولت در ممانعت از قتل عام غیرنظامیان بی گناه توسط گروههای مسلح، حکومت زروال را تضعیف و وجهه حزب وی را لکه دار کرد. پافشاری

دولتهای خارجی برای اعزام یک کمیسیون تحقیق برای رسیدگی به قتل عام های الجزایر، دولت و نهادهای آن را بیش از پیش بی اعتبار ساخت. زروال برخلاف میل خود و در جهت جلوگیری از شکل گیری بحران در الجزایر تصمیم گرفت که با «اختیارات تام ریاست جمهوری» تا زمان برگزاری انتخابات قدرت را حفظ نماید.

تصمیم زروال برای استعفا، احزاب سیاسی را که اکثریت آنان از خلاء مخاطره آمیز قدرت و اهمه داشتند؛ دچار حیرت کرد. قطع نظر از نوع نگرش رهبران سیاسی به ارتش، آنان می ترسیدند که اختلافات میان نیروهای مسلح در زمینه روش مقابله با قیام اسلام گرایان موجب بی ثباتی دولت شود. در عین حال به محض این که شگفتی ناشی از تصمیم رئیس جمهور فرو نشست، جناحهای مختلف فعالیت خود را برای رقابت ریاست جمهوری آغاز کردند. مضمون نطق رئیس جمهور زروال در روز یازدهم سپتامبر حکایت از آن داشت که تحولاتی دمکراتیک در کشور اتفاق خواهد افتاد.

وی حتی اشاره نمود که رژیم به

گونه‌ای تغییر خواهد کرد تا دولت و نهادهای آن دیگر از بی‌ثباتی و فقدان اعتبار داخلی و بین‌المللی لطمه نینند. رئیس‌جمهور به وضوح از عدم ارتباط میان دولت و جامعه مدنی آگاه بود. اگرچه زروال از مشروعیتی نسبی برخوردار بود، اما پس از آشوب اجتماعی اکتبر ۱۹۸۸ دیگر مشروعیتی برای نظام باقی نماند.

اعلام استعفای زروال مانع از آشوبهایی اجتماعی گردید که وقوع آن از سوی بسیاری از ناظران پیش‌بینی شده بود. از جمله این که حزب نیرومند کارگران یو. جی. تی. ای.^۱ حتی تهدید کرده بود که اواسط سپتامبر اعتصابات گسترده‌ای را به راه خواهد انداخت. از آنجا که مردم عمدتاً درگیر شرایط سخت اجتماعی-اقتصادی بودند نسبت به استعفای رئیس‌جمهور بی‌تفاوت ماندند. فقدان عکس‌العمل مردمی این تصور را به وجود آورد که تعداد اندکی از آنها برای انتخاب رئیس‌جمهور در حوزه‌های انتخاباتی حضور خواهند یافت. اما استعفای رئیس‌جمهور این فرصت را برای رهبران احزاب سیاسی فراهم آورد تا خواستار انحلال ائتلاف احزاب تشکیل

دهنده دولت (آر. ان. دی. ام. اس. پی.^۲، اف. ال. ان.^۳ و النهضه^۴) و تشکیل دولتی بی‌طرف جهت نظارت بر انتخابات شوند. حزب ریاست جمهوری آر. ان. دی. دچار نوعی بی‌نظمی شده بود که خود بیانگر علت درخواست بی‌ثمر آنان از زروال جهت لغو تصمیم خود برای استعفا تا پیش از پایان دوره ریاست جمهوری بود. بی‌تردید استعفای

زروال به موجودیت حزب لطمه می‌زد. این امر فرصتی را برای اعضای ائتلافی آر. ان. دی. به ویژه تشکل‌های اسلام‌گرا فراهم آورد تا خواستار معرفی یک نامزد انتخاباتی منفرد، به عنوان نماینده ائتلاف در انتخابات باشند که این ایده‌ای بی‌دوام بود. از آن مهم‌تر، اختلافات میان «محافظه‌کاران» و «تجددگرایان» عضو آر. ان. دی. طی چند روز پس از استعفای رئیس‌جمهور ظاهر گردید. گروه تجددگرایان که توسط مقداد سیفی رهبری می‌شد، امیدوار بود که ارتش موافق دیدگاه‌هایش باشد. درعین حال ارتش یعنی قدرت واقعی الجزایر اشاره کرد که از هیچ کاندیدایی حمایت نخواهد کرد اما برگزاری انتخاباتی معتبر را تضمین خواهد نمود. اعلام انتخابات ریاست جمهوری موجب ایجاد

تفرقه میان حزب ریاست جمهوری و نیز میان نهادهای سیاسی دیگر شد. النهضه نیز همچون آر. ان. دی. دچار بحران شد و رقابت شخصیت‌هایی چون آدمی و جادالله ثبات حزب را برهم زد.

صرف نظر از انگیزه‌هایی که زروال را وادار به استعفا نمود چشم انداز سیاسی الجزایر دستخوش تغییر شد. مشورت میان احزاب سیاسی از یک سو و میان احزاب سیاسی و رئیس‌جمهور از سوی دیگر آغاز گردید. به عنوان مثال، امین زروال روز بیست و نهم سپتامبر به استثنای یک حزب (حزب تجمع قانونی برای فرهنگ و دموکراسی) با کلیه احزابی که در پارلمان نماینده داشتند، دیدار کرد. وی طی این دیدار بار دیگر پایبندی دولت را جهت برگزاری انتخاباتی شفاف و معتبر تصریح کرد و از احزاب دعوت نمود تا پیشنهاد‌های خود را در خصوص انتخابات ارائه دهند. تعهد رئیس‌جمهور و ارتش به قدری معتبر بود که حتی حسین آیت احمد رهبر «جبهه نیروهای سوسیالیست» (اف. اف. اس)،^۵ یکی از صریح‌ترین منتقدان رژیم الجزایر به فکر نامزدی در انتخابات افتاد.

در نوامبر ۱۹۹۸ ریشه‌گیری موقعیت سیاسی مستلزم به تعویق افتادن انتخابات ریاست جمهوری تا ماه آوریل ۱۹۹۹ بود تا احزاب سیاسی بهتر بتوانند برای رویداد مذکور آماده شوند. در همین ماه رئیس‌جمهور اعلام کرد که یک کمیسیون مستقل ملی جهت نظارت بر انتخابات تشکیل می‌شود. با شروع مبارزه انتخاباتی، احزاب سیاسی پیرامون استراتژی‌های مختلفی که می‌توانستند اتخاذ نمایند به مذاکره پرداختند، به ویژه اعضای ائتلاف در جستجوی روش‌هایی جهت غلبه بر بی‌نظمی ناشی از تصمیم زروال برای پایان دادن به دوره ریاست جمهوری خود بودند. احزاب دمکراتیک در راستای تلاش برای تضعیف بیشتر ائتلاف دولت، کمیته دفاع از جمهوری شهروندان (سی. سی. دی. آر.)^۶ را تحت رهبری شخصیت انقلابی قدیمی صالح بونیدر^۷ تشکیل دادند. هدف اصلی سی. سی. دی. آر. برقراری توافقی کلی در خصوص نامزدی بود که از سوی کلیه احزاب دمکراتیک مورد حمایت قرار می‌گرفت.

فعالیت روز افزون سیاسی برای انتخابات ریاست جمهوری بازتاب اندکی در

میان مردم یافت. مقامات مسئول تخمین زدند که نرخ مشارکت مردمی در انتخابات از ۲۰ درصد تجاوز نخواهد کرد. شرایط وحشتناک اجتماعی-اقتصادی مشغولیت اصلی مردم بود. در واقع بسیاری از احزاب واهمه داشتند که آشوبهای اجتماعی انتخابات را ضایع کند. جناحهای دیگری چون جبهه آزادی بخش ملی، حزب حاکم پیشین در مورد سوء استفاده از اوضاع اجتماعی-اقتصادی در جهت منافع سیاسی هشدار دادند.

اکثریت احزاب سیاسی تمایل خود را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کردند، اما با توجه به شرایط انتخابات خواستار به عهده گرفتن تعهداتی از سوی رئیس جمهور و ارتش بودند. درخواست اول این بود که انتخابات عاری از تقلب باشد. درخواست دوم تجدیدنظر در مورد شروط خاص قانون انتخابات بود. و بالاخره اکثریت احزاب خواستار استعفای احمد اویحیی، نخست وزیر، بودند. در اواخر ۱۹۹۸ دو رویداد مهم به وقوع پیوست. رویداد اول کناره گیری محمد بتچین از دفتر ملی حزب آر.ان.دی. بود. استعفای بتچین تنها به

بحران آر.ان.دی. که دست کم به سه شاخه تقسیم می شد، دامن زد. دومین رویداد و مهمتر از رویداد اول، اعلام انفصال اویحیی از خدمت تا پیش از پایان سال و جانشینی سناتور اسماعیل حمدانی، دیپلمات ۶۸ ساله به جای او بود. این دو رویداد با افشای مهم تقلبهایی که در جریان انتخابات مربوط به شهرداری و انتخابات وزارتت اکتبر ۱۹۹۷ صورت گرفته بود، همزمان شد. این تقلبها به آر.ان.دی. امکان داد تا اکثریت مناسب را در ساختهای نهادی دولت به دست آورد. تأثیر تقلبهای مذکور از سوی کمیسیون پارلمانی رسیدگی به انتخابات موجب تشدید بحران آر.ان.دی. و تضعیف ادعای مشروعیت آن شد.

بحران داخلی آر.ان.دی. بازتابهای مهمی در برداشت. استعفای زروال عملاً موجودیت حزب را به زیر سؤال برد. بحران آر.ان.دی. که به جهات بسیاری می توان آن را نسخه بدل اف.ال.ان. توصیف کرد، اف.ال.ان. را به شهرت بازگرداند. با این که اف.ال.ان. عضو جدید ائتلاف بود، اما کاملاً آشکار بود که این حزب نقش برجسته تری نسبت به اعضای اسلام گرای ائتلاف دولت

یعنی ام.اس.پی. و النهضه ایفا خواهد کرد. اف.ال.ان. در رده‌های مختلف حزبی خود دارای منابع انسانی و لجستیکی جهت احیای حزب حاکم پیشین بود. چهار تن از هفت نامزدی که سرانجام وارد رقابت ریاست جمهوری شدند، اگرچه خود را نامزدهای مستقل معرفی می‌کردند، اما عضو حزب اف.ال.ان. بودند. در اواخر نوامبر، اف.ال.ان. اعلام کرد که حمایت خود را از یک نامزد مستقل ریاست جمهوری دریغ نخواهد کرد.

تصادفاً روزنامهٔ مستقل «لاتریون» تصویری را به چاپ رساند که سه تن از چهار نامزد احتمالی را نشان می‌داد: عبدالعزیز بوتفلیقه، احمد طالب ابراهیمی و مولود حمروش. نفر چهارم نیز بو عالم بن حمودا، دبیرکل اف.ال.ان. بود. ابراهیمی و حمروش با وجود اختلافات خود با رهبری حزب اف.ال.ان. هرگز نه این حزب را ترک کردند و نه برای خود حزب دیگری تشکیل دادند. آنان کاملاً از شبکه‌های محکمی که اف.ال.ان. علی‌رغم عدم اعتبار خود در نزد دولت، جامعه و ارتش حفظ کرده بود، آگاه بودند.

در اوایل دسامبر کمیته‌های حمایت از نامزدها به سرعت در سطح کشور گسترش یافتند. کمیته‌های مذکور در حالی تشکیل شدند که شخصیت‌های مورد حمایت آنان هنوز تصمیمات خود را برای نامزد شدن در انتخابات اعلام نکرده بودند. در حالی که احزاب دمکراتیک (پی.آر.ای.^۸، ای.ان.آر.^۹، ام.دی.اس.^{۱۰} و آر.سی.دی.) در تلاش برای یافتن نامزدی بودند که می‌توانست موجب اتحاد دسته‌های مختلف جنبش دمکراتیک شود، حسین آیت احمد در مصاحبه‌ای اظهار کرد که ممکن است در رقابت ریاست جمهوری شرکت نماید.

اویحیی روز چهاردهم دسامبر استعفای خود را تسلیم نمود و حمدانی که از سوی رئیس‌جمهور مسئول سازماندهی به انتخابات ریاست جمهوری بود جانشین وی شد. نخست‌وزیر جدید دولت قبلی را به استشنای وزرای کشور، ارتباطات و دادگستری که به شدت مورد انتقاد مخالفان دولت بودند، ابقا کرد. با توجه به نقش خطیری که وزارت کشور در سازماندهی انتخابات ایفا می‌کند، افشای تقلب‌های مربوط به رأی‌گیری ۱۹۹۷ منجر به انفصال وزیر

کشور از خدمت شد، زیرا در غیراین صورت دولت نمی توانست احزاب سیاسی را متقاعد نماید که انتخابات ریاست جمهوری آتی معتبر خواهد بود.

اعلامیه نامزدها

اسامی نامزدهای بالقوه رقابت ریاست جمهوری از اواسط ماه اکتبر بر سر زبانها بود. در عین حال اکثریت رقبای انتخاباتی شخصیت های مشهوری از رژیم های پیشین یعنی از حزب اف. ال. ان. بودند. در حالی که ابراهیمی، محمد صالح یحیوی و عبدالحمید مهری خواهان تشکیل جلسه فوق العاده اف. ال. ان. بودند تا به نظامیان اجازه تعیین نامزد بدهد، در عوض بن حمودا تصمیم گرفت که کمیته مرکزی حزب تصمیم مذکور را اتخاذ نماید. بنابراین روز شانزدهم دسامبر، ۲۳۹ عضو حاضر در نشست کمیته مرکزی اف. ال. ان. به اتفاق آرا تصمیم به حمایت از نامزدی عبدالعزیز بوتفلیقه، وزیر خارجه مقتدر حکومت هواری بومدین (۱۹۶۵-۱۹۷۸) گرفتند که در آن سالها سیاست خارجی الجزایر را ترسیم می نمود. منطق چنین انتخابی در اظهارات بن حمودا

خطاب به هم حزبی های خود وجود دارد: «الجزایر نیازمند شخصیتی سیاسی است که در درجه اول در راستای متقاعد نمودن احزاب سیاسی و نهادهای دیگر و سپس مردم الجزایر تلاش نماید. چنین فردی باید تجربه مورد نیاز برای اداره کشور و انعطاف لازم را در برخورد با امور امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خارجی داشته باشد. ما در مجموع به کلیه شخصیت های ملی و آنان که حزب را ترک گفته اما به نهاد سیاسی دیگری نپیوسته و یا شأن حزب را مورد انتقاد قرار نداده اند احترام می گذاریم. لذا دفتر سیاسی حزب تصمیم گرفت تا پیشنهاد حمایت از آقای عبدالعزیز بوتفلیقه را که نامزد ریاست جمهوری شده بود نزد کمیته مرکزی مطرح کند. ما از کلیه برادرانمان می خواهیم که به خاطر مصلحت عالی کشور و ارتش خلق ملی» (ای. ان. پی.)^{۱۱} فراتر از امیال شخصی و منافع خاص با یکدیگر متحد شوند.»

تصمیم اف. ال. ان. و اندکی بعد آر. ان. دی. جهت حمایت از بوتفلیقه به عکس العملهای پرشوری انجامید که

مهمترین آنها رواج دوبارهٔ مخالفت‌های مسکوت‌پیشین بود که ریشه در جنگ آزادی‌بخش الجزایر (۶۲-۱۹۵۴) داشتند. تعجبی نداشت که عکس‌العمل اول از سوی یوسف خطیب مشاور پیشین امین زروال و مهمتر از آن رهبر سابق منطقهٔ چهارم نظامی (Wilaya) در جریان جنگ آزادی‌بخش علیه فرانسه، صورت گیرد. عکس‌العمل دیگر از سوی طالب ابراهیمی که مطبوعات فرانسه او را محبوب‌ترین نامزد ریاست‌جمهوری معرفی کرده بودند؛ صورت گرفت. وی تصمیم کمیسیون مرکزی اف.ال.ان.را برای انتخاب بوتفلیقه تقبیح و اشاره کرد که اعضای حزب نباید از مقررات آن پیروی نمایند. به هر حال بسیاری از مخالفان این تصمیم‌نگران بودند که انتخاب بوتفلیقه در حقیقت از سوی آن دسته از تصمیم‌گیرندگان اصلی که در پشت پرده فعالیت می‌کردند صادر شده باشد. هرچند ارتش تضمین داده بود که در انتخابات ریاست‌جمهوری مداخله نخواهد کرد اما واژهٔ اصلی مخالفان این بود که ارتش یا دست کم یکی از نهادهای قدرتمند آن و سازمانهای امنیتی، بوتفلیقه را برای هدایت کشور برگزیده باشند و این که انتخابات ریاست‌جمهوری تنها نوعی ظاهرسازی باشد. اتهامات موجود در خصوص این که ارتش به اف.ال.ان. دستور انتخاب بوتفلیقه را داده بود؛ واکنشی در میان طبقهٔ سیاسی و رسانه‌های گروهی ایجاد کرد. عمده‌ترین سوالات منتقدان مذکور مربوط به این واقعیت بود که خود بوتفلیقه نامزدی خود را رسماً اعلام نکرده بود. انتصاب دولت جدید تحت رهبری حمدانی نیز موجب تخفیف ترس‌های ناشی از برگزاری انتخاباتی محدود و قابل پیش‌بینی نشد.

قطع نظر از انگیزه‌های واقعی رقبای ریاست‌جمهوری، آنان نه به این خاطر که احساس می‌کردند بهتر قادر به اداره کشور خواهند بود بلکه به این دلیل در انتخابات شرکت کردند که می‌خواستند از انتخاب فردی که مورد توافق افراد پشت‌پرده قرار گرفته بود، جلوگیری نمایند. احزاب و شخصیتها در عین حال که مخالف دیدگاه «فرد برگزیده» بودند با نظرات مخالفت‌آمیز خود به طور رسمی نوع خاصی از اتفاق نظر را به وجود آوردند که هدف آن ممانعت از دستیابی بوتفلیقه به قدرت بود. به طور مثال

روز بیست و هشتم دسامبر ابراهیمی، جاد الله، خطیبی و یحیوی نامه مشترکی خطاب به رئیس جمهور زروال نوشتند و طی آن تعهد وی را نسبت به برگزاری انتخاباتی شفاف و معتبر و تناوب قدرت یادآوری کردند. ادعای بن حمودا مبنی بر دریافت دستور از مقامات بالا جهت حمایت از بوتفلیقه به اتهاماتی انجامید و این اتهامات به گونه ای بود که رئیس جمهور تصمیم گرفت تا مجدداً به بی طرفی ارتش در انتخابات آتی تصریح نماید. زروال به عنوان رئیس جمهور و رئیس عالی نیروهای مسلح سعی کرد تا فعالان سیاسی را متقاعد نماید که نه او و نه ای.ان.پی. از هیچ نامزد خاصی حمایت نمی کنند و بنابراین نامزدها از بخت یکسان برخوردارند.

دوره پیش از آغاز مبارزه انتخاباتی با سوءظن هایی همراه بود. نامزدهای نهایی و احزاب سیاسی تردید داشتند که صرف نظر از تضمین های رئیس جمهور و ارتش، رژیم انتخاباتی شفاف را سازماندهی نماید. وقتی ۱۲ تن از وزرای عضو آر.ان.دی. از نامزدی بوتفلیقه حمایت کردند به این سوءظن ها دامن زده شد. به علاوه با وجود اعتباری که

محمد بجاوی^{۱۲} به عنوان مسئول کمیسیون مستقل ملی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و قاضی دیوان دادگستری بین المللی داشت، اکثریت نامزدها حدس می زدند که تقلب انتخاباتی امری مسلم خواهد بود. البته پرسش مهمی که باقی ماند این بود که آیا رأی دهندگان در روز پانزدهم آوریل به شکل گروهی به صندوقهای رأی هجوم خواهند آورد یا خیر. شمار نامزدها به تدریج افزایش می یافت ولی در عین حال برجسته ترین مشخصه نامزدها عضویت سابق آنان در «جبهه آزادی بخش ملی» بود. تعدد نامزدها چند مطلب را فاش ساخت:

دیدگاه «فرد برگزیده» بدین معنا بود که در حقیقت ارتش نامزدی را از جانب خود تعیین نمی کرد و مایل بود که رقابت عادلانه ای برقرار شود. البته گروه های مختلف موجود در نهادهای نظامی انتخاباتی خود را داشتند. بی تردید بوتفلیقه به دلایل مختلف انتخاب بهتری برای ارتش بود. مهمترین علت آن دوری وی از اسلام گرایان به ویژه اسلام گرایان اف.آی.اس. بود.

شمار بالایی نامزدها برگزاری دور دوم انتخابات را تا حدود پنجاه درصد حتمی

می کرد چون هیچ نامزدی نمی توانست اکثریت مطلق را کسب نماید.

نامزدها با وجود سابقه عضویت در اف.ال.ان. نماینده ایدئولوژی های مختلفی بودند که جامعه الجزایری را ترسیم می نمود: اسلام گرایی، ملی گرایی و تجددگرایی. اما هیچ یک از نامزدها معرف یک جریان صریح ایدئولوژیک نبودند. در عوض برنامه های آنان (یا به عبارت بهتر سخنرانی آنان) تلفیقی از ملی گرایی و تجدد گرایی یا دمکراسی و ملی گرایی و یا اسلام گرایی و ملی گرایی را مورد تأکید قرار می داد.

انتخابات و جامعه مدنی

انتخابات ریاست جمهوری، پیشرفت قابل ملاحظه ای را در زمینه روند دشوار گسترش دمکراسی در الجزایر به وجود آورد. اگرچه اکثریت نامزدهای مستقل از اعضای پیشین اف.ال.ان. بودند، اما شهرت آنان موجب شد تا پیشرفت مثبتی در نظام اجتماعی سیاسی به وجود آید. گردهمایی نامزدها و درخواست آنان مبنی بر برگزاری انتخاباتی عادلانه و شفاف بر دولت فشار وارد نمود. در درجه مهمتر، تعامل و تمایل آنان

جهت گسترش استراتژی های مشترک در مقابل رژیم، موجب تقویت جامعه پویا و رو به گسترش مدنی در الجزایر شد. تا به حال چنین مناظره های تلویزیونی و گزارشهای انتقادی در هیچ یک از دیگر کشورهای عربی دیده نشده است.

دیگر واژه ای از ابراز عقیده علیه شئون رژیم قدیم وجود نداشت. در حقیقت ژنرالهایی چون نزار بن یلس از روزنامه ها برای بیان دیدگاههای خود استفاده می کردند و این دیدگاهها علناً در مطبوعات مورد بحث قرار می گرفت. اصطلاح «فرد برگزیده» به شدت از سوی روزنامه نگاران، افسران بازنشسته، سیاستمداران قدیمی و انقلابیون سابق مورد انتقاد قرار می گرفت. چنین مناظره ای عمومی سبب خلق فضای آزادی و زندگی مشارکت جوینه مردم الجزایر شد. انجمن های مختلف خودمختار دیدگاههای خود را در خصوص این که به اعتقاد آنان چه کسی بهترین نامزد بود بیان می کردند. رهبران انجمن های مذکور نامزدهای معرفی شده را به دلیل مواضع آنان در قبال جریانهای خاص مورد انتقاد قرار می دادند. مطبوعات شرح حال نامزدها را به

چاپ رساندند.

محکوم کنند.

برخی از روزنامه‌ها نیز با لحنی خشن، مواضع خاص نامزدها را در قبال موضوعاتی چون اسلام‌گرایی، قانون خانواده، زنان، جوانان، اشتغال، تروریسم و سازمانهای نظامی تقبیح می‌کردند. خانواده‌های قربانیان تروریسم در مورد موضع نامزدها در قبال نحوه برخورد با تروریست‌ها در آینده و چگونگی جبران خسارات ناشی از فقدان یکی از اعضای خانواده خود سؤال می‌کردند. سایرین از داوطلبان می‌پرسیدند که سیاست آنان در مقابل مبارزانی که اسلحه‌های خود را بر زمین گذاشته‌اند؛ به ویژه آن گروه از مبارزان ارتش نجات اسلامی که پس از ماه اکتبر ۱۹۹۷ صلحی موقت را به اجرا درآورده‌اند چیست. تلاش صریح نامزدهایی چون ابراهیمی برای پیوستن مجدد حزب غیرقانونی جبهه نجات اسلامی به نظام سیاسی نیز منجر به بحثی داغ شد. نامزدها به نوبه خود این امکان را داشتند تا به تشریح مواضع خود بپردازند، دولت را مورد انتقاد قرار دهند و موانعی را که احساس می‌کردند مقامات دولتی برای جلوگیری از انتخاباتی حقیقتاً آزاد ایجاد کرده بودند:

تلاش برخی از نامزدها در راستای پیوستن مجدد جبهه نجات اسلامی به حیات سیاسی به هشدار جدی از سوی ارتش در ماه فوریه مبنی بر خطر اسلام‌گرایی رادیکال انجامید. باید اشاره کرد که اسلام‌گرایان رادیکال نیز درست همانند اسلام‌گرایان میانه‌روی حزب قانونی ام. اس. پی؛ البته و حزب جدید التأسیس «جنبش اصلاح ملی» به رهبری جادالله می‌توانستند نظرات خود را درباره انتخابات بیان کنند. حمایت آنان از نامزدی طالب ابراهیمی نشان داد که نامبرده به بهترین نحو دیدگاههای آنان را ارائه می‌داد. دلیل دیگر حمایت آنان از ابراهیمی این بود که وی به احتمال زیاد در آینده حزبی برای خود تشکیل می‌داد و در این صورت آنان می‌توانستند رده‌های مختلف آن را اشغال کنند. در حقیقت این دورنما بود که به ظاهر آر. سی. دی. را متقاعد کرد تا انتخابات را تحریم کند. زیرا سعید سعدی شاهد تلاشی در جهت احیای جبهه نجات اسلامی در جریان انتخابات بود.

هفت نامزد مقام ریاست جمهوری

شورای قانون اساسی الجزایر از شانزده نامزد ریاست جمهوری تنها صلاحیت هفت نفر از آنان را که واجد شرایط لازم قانون انتخابات جهت شرکت در رقابت ریاست جمهوری بودند تأیید کرد. اگر شرکت این هفت نامزد، یعنی آیت احمد، بوتفلیقه، حمروش، خطیب، جاد الله، سیفی و طالب ابراهیمی مایه شگفتی نبود اما عدم حضور نحناح در این جمع مبهم و پیچیده بود. نحناح در انتخابات ریاست جمهوری شانزدهم نوامبر ۱۹۹۵ قوی ترین رقیب زروال بود و بیش از بیست و پنج درصد آرا را از آن خود کرده بود. در سال ۱۹۹۹ شورای قانون اساسی درخواست نحناح را به دلیل عدم احراز شرط دوازدهم ماده ۱۵۷ قانون انتخابات که تصریح می کند که هر نامزدی که تا پیش از اول جولای ۱۹۴۲ متولد شده است باید مدرکی دال بر شرکت در جنگ آزادی الجزایر (۱۹۵۴-۶۲) ارائه دهد، رد کرد. هر چند مورد مذکور صرفاً در قانون اساسی ۱۹۹۶ یعنی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۵ به صورت شرط درآمد اما مسئله مربوط به نامزدی

نحناح پیچیده بود زیرا به نظر می رسید که این موضوع بیشتر مربوط به سیاست باشد تا قانون. قانون مذکور نوع مشارکت نامزد در جنگ آزادی الجزایر را مشخص نمی کند، بنابراین مدارکی که برخی از شخصیت های انقلابی جهت حمایت از اظهارات نحناح ارائه داده بودند، باید برای اجازه شرکت او در انتخابات کفایت می کرد. برداشت منطقی که در خصوص رد صلاحیت نحناح جهت ممانعت از شرکت وی در انتخابات وجود داشت سیاسی بود تا قانونی. هدف از این کار، اغوای حزب نحناح جهت تجمع در اطراف بوتفلیقه بود که نهایتاً ام. اس. پی. یک هفته پیش از برگزاری انتخابات مبادرت به این کار کرد. به گونه ای که در صورت برگزاری دور دوم انتخابات بوتفلیقه، مهمترین نامزد انتخابات با یک نامزد اسلام گرای مقتدر مواجه نشود. با وجود این که ابراهیمی حمایت جبهه نجات اسلامی را به دست آورد، اما شاید شانس وی به اندازه نحناح نبود. به علاوه حتی در صورت برگزاری دور دوم انتخابات، احزاب سکولار و یادمکراتیک که از بازگشت جبهه نجات اسلامی به صحنه سیاسی و اهمه داشتند،

احتمالاً هیچ چاره‌ای نداشتند جز این که به بوتفلیقه که خطر کمتری برای آنان در برداشت رأی دهند. بوتفلیقه تا آن زمان آرای دو حزب اسلام‌گرای النهضه و ام.اس.پی. را به دست آورده بود.

مبارزه انتخاباتی که از بیست و پنجم مارس تا دوازدهم آوریل به طول انجامید، نمایانگر رویدادی بی سابقه در جهان عرب بود. طی این مدت هفت نامزد انتخاباتی آزادانه در سطح کشور به رقابت پرداختند.

مسائل مهمی که آنان مطرح می کردند پیرامون صلح، آشتی، همگرایی جوانان، اشتغال، بهبود اوضاع اجتماعی-اقتصادی، پیشبرد آزادی‌ها، استقرار حاکمیت قانون و موضوعات متعدد دیگری بود. در حالی که

حمروش به عنوان مثال به دنبال جلب حمایت جوانان برای اجرای برنامه خود بود، بوتفلیقه سالهای با شکوه دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را به یاد مردم الجزایر می آورد. طالب

ابراهیمی و جاد الله نیز به نوبه خود در پی احیای جبهه نجات اسلامی بودند تا صلح و آشتی مجدداً در کشور برقرار شود. این مبارزه کاملاً پر شور بود و رأی دهندگان فرصت داشتند تا در مطبوعات پیرامون

نامزدها مطالعه کنند و از طریق تلویزیون ملی به برنامه‌ها و دیدگاههای آنها گوش فرا دهند. نامزدها در مناظره‌های تلویزیونی شرکت می جستند و طی آن آزادانه پیرامون برنامه‌های خود به بحث می پرداختند، موقعیت کشور را تحلیل می کردند، از قصور دولت انتقاد می کردند، از ارتش درخواست می نمودند که وارد سیاست نشود و خواستار برگزاری انتخاباتی عاری از تقلب بودند.

مبارزه انتخاباتی توجه مردم را به سوی خود جلب کرد. به نظر می رسید که تعداد بیشتری از آنان نسبت به آنچه که پیش بینی شده بود در حوزه‌های انتخاباتی حضور یابند.

نزدیک به برگزاری انتخابات شکل‌گیری دو گروه مهم بر چشم انداز سیاسی الجزایر حاکم شد. گروه اول که شامل چهار حزب سیاسی آر.ان.دی.، اف.ال.ان.، النهضه و ام.اس.پی. می شد که از بوتفلیقه حمایت می کرد. این گروه ترکیبی از نیروهای ملی‌گرا و گروه‌های میانه روی جنبش اسلام‌گرایی بود. گروه دوم از اف.اف.اس.، جاد الله، ابراهیمی، سیفی، حمروش و خطیب تشکیل شده بود. حداقل

سه شخصیت عضو این گروه علی رغم اختلافاتی که داشتند هنوز و ابسته به سیاست «سنت ادیژیو»^{۱۳} بودند که به دنبال احیای جبهه نجات اسلامی و آشتی با رهبر آن بود. نامزدهای عضو این گروه پیمان نامقدسی بسته بودند که شامل جلوگیری از موفقیت بوتفلیقه در انتخابات ریاست جمهوری و در صورت لزوم نامشروع ساختن پیروزی نهایی وی در حوزه های انتخاباتی بود. اگرچه مدرکی دال بر این که این نامزدها در صورت به دور دوم

کشیده شدن انتخابات، نامزدی مشترک تعیین می کرده اند وجود ندارد اما آنان به دنبال جلوگیری از پیروزی بوتفلیقه در دور اول بودند. در عین حال این به اصطلاح «گروه شش» چون می دانستند که پیروزی بوتفلیقه در دور اول حتمی خواهد بود شروع به تهدید کردند که در صورت وجود تقلب در انتخابات از رقابت کنار خواهند کشید. «گروه شش»، روز سیزدهم مارس در دفتر مرکزی اف. اف. اس. با یکدیگر دیدار کردند. آنان پس از جلسه مذکور خواستار مشورت با رئیس جمهور زروال شدند و همچنین تقاضا کردند که آرای حوزه های سیار (در نقاط دور

افتاده جنوب الجزایر) و ایستگاههای رأی گیری خاص (پادگانهای نظامی و ایستگاههای پلیس) باطل گردد. رئیس جمهور زروال نیز به نوبه خود اعلام کرد که با گروه مذکور دیدار نخواهد کرد؛ زیرا تحقق این خواسته به اتهامات ایشان قوت می بخشد. از دید رئیس جمهور نامزدها باید شکایات خود را به نهادهای ذیربط یعنی کمیسیون مستقل ملی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و در نهایت شورای قانون اساسی ارائه می دادند.

این شش نامزد دولت را متهم به زمینه سازی جهت تقلبهایی گسترده در حمایت از بوتفلیقه کردند. در عین حال بیش از یک ماه پس از برگزاری انتخابات، نامزدهای مذکور هنوز هم در تلاش برای تهیه مدارکی روشن در زمینه تقلبهای گسترده بودند. انگیزه های واقعی این شش نامزد هر چه که بود، آنان در آستانه انتخابات خود را از رقابت کنار کشیدند. تصمیم مذکور اساساً برای بوتفلیقه سودمند بود چه در این صورت وی تنها نامزد انتخابات می شد. تصمیم این شش نفر موجب دلسردی رأی دهندگانی شد که در انتخاب خود دچار

تردید بودند. شاید هنوز برای ارزیابی تأثیر آن تصمیم زود باشد اما آنچه منطقی به نظر می‌رسد این است که شاید آنان که روز پانزدهم آوریل در حوزه‌های انتخاباتی حضور یافتند برخلاف انتخاب اولیه خود به بوتفلیقه رأی داده باشند.

انتخابات همان گونه که برنامه ریزی شده بود روز پانزدهم آوریل برگزار شد. با وجود انصراف نامزدها از انتخابات، دولت تصمیم گرفت تا بولتن‌های این نامزدها را

محفوظ نگاه دارد. نتایج رسمی انتخابات از این قرار اعلام شد: سطح مشارکت مردمی در انتخابات به ۶۰٫۲۵ درصد رسید.

بوتفلیقه با ۷۳٫۷۹ درصد آرا در انتخابات به پیروزی رسید و پس از او به ترتیب طالب ابراهیمی ۱۲٫۵۳ درصد، جاد الله ۳٫۹۹

درصد، آیت احمد ۳٫۱۹ درصد، حمروش ۳٫۹ درصد، سیفی ۲٫۲۴ درصد و خطیب ۱٫۲۲ درصد آرا را به دست آوردند. جناح

مخالف دولت این نتایج را با این ادعا که سطح مشارکت مردمی کمتر از ۲۴ درصد بود؛ مورد اعتراض قرار داد. روزنامه فرانسوی «لوموند» ادعا کرد که یک منبع نظامی (که

لزوماً نامش را فاش نمی‌کند) افشا کرد که

بوتفلیقه تنها ۲۸ درصد، ابراهیمی ۲۰ درصد، آیت احمد ۱۳٫۳ درصد، جاد الله ۱۲٫۸ درصد و حمروش ۱۲٫۲ درصد آرا را کسب کردند. بی تردید ارقامی که «لوموند» ارائه می‌دهد به قدری شسته رفته هستند که نمی‌توانند معتبر باشند. در این مورد که آیت

احمد علی رغم محبوبیت و مخالفت دیرینه خود با رژیم بتواند در بهترین وجه ممکن بیش از ۵ درصد آرا را نصیب خود نماید؛ تردید وجود دارد.

بوتفلیقه صرف نظر از نتایج واقعی انتخابات به پیروزی دست یافت. در حالی که «گروه شش» تصمیم خود را پیروزی معنوی و تبیین شهروندی واقعی خود می‌دانند، تلاش

آنان جهت نامشروع جلوه دادن رئیس جمهور جدید از دوام اندکی برخوردار بود. تنها زمان نشان خواهد داد که این اتحاد تا چه هنگام به طول خواهد انجامید. حمروش هم اینک

حزبی برای خود به نام «جنبش برای آزادی» تشکیل داده است. طالب ابراهیمی درصدد

تشکیل حزب است. «گروه شش» نیز همچون دمکراتها از تشکیل ائتلافی خالص که بتواند

با فشار امتیازاتی ملموس از رژیم بگیرد؛ عاجز است.

از این انتخابات چه نتایجی عاید می‌شود؟ جالب توجه‌ترین نتیجه آن این است که انتخابات مذکور بسیاری از تناقضات جنبش ملی‌گرای الجزایر را (از دهه ۱۹۲۰ تاکنون) در معرض دید عموم قرار داده است. ملی‌گرایی، اسلام‌گرایی، تجددخواهی و آمازیگیتی^{۱۴} (فرهنگ بربر) هنوز بر بحثهای سیاسی حاکم است. تنها تفاوت آن با گذشته این است که این مباحثات علنی شده و دیگر شعار نیستند. برقراری نظام دموکراتیک هنوز دشوار است. به ویژه این که ساختار ملت و دولت تکامل نیافته است. مثبت‌ترین جنبه انتخابات این است که یک جامعه مدنی پویا در الجزایر نمودیافته است. این انتخابات علی‌رغم ضعفهای خودپویایی ای را به نمایش گذارده است که نظیر آن تقریباً در هیچ جای خاورمیانه عربی و شمال آفریقا وجود ندارد.

«گروه شش» و احزابی که انتخابات را تحریم کردند (آر. سی. دی. و ام. دی. اس.) با وجود تلاشهای خود جهت نامشروع جلوه دادن رئیس‌جمهور جدید، مجبور خواهند بود تا در مشارکت سیاسی شرکت کنند. بدون تردید اسلام‌گرایان و اعضای

جبهه نجات اسلامی به دنبال مذاکره در خصوص مشارکت خود در نظام سیاسی خواهند بود.

نویسنده: یحیی اچ. زبیر

ترجمه: پروین امجدی سپهر

یادداشتها:

1. UGTA
2. MSP
3. FLN
4. Alnahda
5. FFS
6. CCDR
7. Salah Boubnider
8. PRA
9. ANR
10. MDS
11. A.N.P
12. Mohammad Bedjavi
13. Sant' Edigio
14. Amazighity

